

روایت تحلیل گرایانه در کارروزی

صغری ملکی
مدرس دانشگاه فرهنگیان



درس کارروزی از درس‌های مهم تربیت معلم در گذشته و حال بوده است. در این رشته یکی از مهارت‌های اساسی است. نوشتن طرح درس‌های مفصل قبل از اجرا، گزارش‌های پایانی در هر ترم و گزارش‌های ریز و درشت دیگر در طول ترم از بخش‌های جدایی‌ناپذیر کارروزی در گذشته بوده است. با احیای تربیت معلم پس از تأسیس دانشگاه فرهنگیان، برنامه کارروزی با بازنگری اساسی همراه شد. در برنامه جدید کارروزی هم نوشتن یکی از قسمت‌های اصلی این فرایند است و بخش در خور توجهی از فعالیت‌های دانشجو معلمان در این درس به نوشتن اختصاص دارد اما بی‌شک هدف و چگونگی نوشتن در کارروزی جدید با سال‌های گذشته بسیار متفاوت است. و موضوع نوشتن در برنامه جدید، چستی، چرایی و چگونگی خاص خود را دنبال می‌کند. دانشجو معلمان در کارروزی جدید گزارش نمی‌نویسند بلکه تجربه خود را با نوشتن مورد تأمل و واکاوی قرار می‌دهند. آن‌ها با روایت‌نگاری تأملی یاد می‌گیرند که چرایی آنچه را در عملشان اتفاق افتاده است، تحلیل کنند و از تجربه‌شان به سادگی نگذرند. روایت‌نگاری تأملی در واقع، آموختن از تجربه است. اما آیا واقعاً این نوشتن‌ها و روایت‌نگاری‌های تأملی برای دانشجویان مفید است؟ در این گزارش کوتاه تأثیر نوشتن را از زبان شماری از دانشجویان ورودی‌های سال ۹۱ پردیس امیرکبیر دانشگاه فرهنگیان می‌خوانیم.

و بیهوده بود که برای رفع تکلیف آن را انجام می‌دادم و به نوشتن برخی مسائل که شاید زیاد هم مهم نبود می‌پرداختم و از نوشتن واهمه داشتم ولی با نوشتن روایت‌های بیشتر، دید من نسبت به این فعالیت فقط رفع تکلیف و ارائه به استاد راهنما نبود و هر یک از روایت‌ها برایم مانند یک پاکتی بود که تجارب بسیاری در آن وجود دارد و تمام اتفاقات مرتبط با تدریس در کلاس را در آن نوشته بودم. شاید سال‌ها و ماه‌ها از تدریسم در کلاس‌های کارورزی بگذرد و خیلی از مسائل و اتفاقات افتاده در تدریس را فراموش کنم اما با نوشتن روایت خیلی از اتفاقات به صورت مکتوب وجود دارد و زمانی که نیاز به راهنمایی دارم هم می‌توانم از روایت‌ها استفاده کنم و یا با خواندن چند باره آن‌ها در مورد تدریسم فکر کنم و در ذهن خود پیشنهادهایی برای بهتر شدن کارم ارائه دهم.

زهرایوسف نیا

اهمیت روایت‌نگاری نه تنها برای من که یک کارورز هستم بلکه برای تمام افراد کم تجربه‌ای که وارد عرصه‌های حساس می‌شوند معلوم است؛ از آن جهت که وقتی می‌نویسند لحظه‌لحظه‌ای را که گذشته است مانند فیلمی در ذهن خود می‌بینند و می‌توانند روی آن‌ها فکر کنند و افکارشان را در همان لحظه بنویسند. به نظر من، روایت‌نگاری در نهایت کمک به خودپژوهی و واکاوی فرد می‌کند. وقتی فرد می‌نویسد و ثبت می‌کند، پس از مدتی که سیر نوشته‌هایش را می‌خواند می‌تواند میزان پیشرفت و تغییراتی را که در او ایجاد شده است ببیند و دلایل پیشرفت خود را بیابد و برای پیشرفت بیشتر، آن‌ها را به کار ببندد. گاهی بعد از مدت‌ها روایت‌نگاری وقتی روایت اول و آخر با هم مقایسه می‌شوند، کاملاً می‌توان دید که طرز تفکر افراد چقدر تغییر کرده است. گاهی اوقات این تغییر در جهت مثبت و گاهی منفی است و این خود فرد است که می‌تواند از دل روایت‌هایش دلیل این تغییرات را بیابد.

البته روایت‌نگاری برخی فایده‌های حاشیه‌ای نیز دارد؛ برای مثال، فردی که از نوشتن هراس دارد پس از مدتی روایت‌نگاری ترسش کم می‌شود و جرئت نوشتن پیدا می‌کند. این برای یک معلم بسیار ضروری است که بتواند بنویسد و خوب هم بنویسد. گاهی در کارورزی کارهایی انجام می‌دهیم که ممکن است یادمان برود ولی وقتی آن را ثبت می‌کنیم و روی آن‌ها فکر می‌کنیم، هرگز از یادمان نمی‌رود و تجربه‌ای می‌شود برای بهره‌گیری در روزهای دیگر.

یکی از عوامل بسیار مهم و تأثیرگذار در توسعه حرفه‌ای را نقش روایت‌نگاری می‌دانم؛ چون معتقدم وقتی پس از تدریس، روایت‌نگاری به شیوه تحلیلی و با دیدی انتقادی نوشته می‌شود، وقایع و اتفاقات قبل از کلاس، و در حین اجرای تدریس بیشتر و عمیق‌تر دیده می‌شود.

روایت از کار تدریس به این جهت که موجب تفکر عمیق و گسترده می‌شود، امکان این را فراهم می‌آورد که فرد به شناختی از خود و اعمالش دست پیدا کند و به خودکاوی برسد.

اینکه اگر معلم بداند در زمان تدریس از لحظه ورود به کلاس تا زمانی که از کلاس خارج می‌شود، چه کارهایی کرده است، چه کارهایی می‌توانست انجام دهد ولی نداده است و چه کارها و اقداماتی را برای بهتر شدن تدریس می‌تواند انجام دهد. نقاط قوت شخصیت خودش و کارهایش را بشناسد و آن‌ها را تقویت کند اخلاق حرفه‌ای خود را بالا ببرد و تقویت کند و مهارت‌های مربوط حرفه‌اش را توسعه دهد. می‌تواند درک بهتری از وقایع داشته باشد.

روایت‌نگاری کمک می‌کند تا فرد برای چالش‌ها و مسائلی که با آن روبه‌رو می‌شود به دنبال راه‌حل باشد این یک کار فردی نیست و معلم با ثبت وقایع برای راه‌حل‌ها می‌تواند به صورت گروهی از افراد متخصص و ماهر نیز کمک بگیرد.

زهرایوسف نیا

روایت‌ها همیشه به طور کامل بر پایه الگویی از علت و معلول نوشته نمی‌شوند، بلکه بیشتر بر پایه توضیح‌هایی نوشته می‌شوند که از کل روایت جمع‌آوری می‌گردد. اگر این کار درست انجام گرفته باشد، نویسنده احساس نخواهد کرد که در جزئیات گم شده است، بلکه همواره درکی از کل را با خود خواهد داشت. روایت‌نگاری یا رویدادهای کلاس درس و هر رویداد دیگری را باید به ترتیب زمانی ثبت و ضبط کرد.

روایت‌نگاری یکی از ابزارهایی است که باعث می‌شود بعد از تدریس و نوشتن روایت تدریس بیشتر و عمیق‌تر به نحوه اجراییم فکر کنم و نقاط ضعف و قوت خود را بیشتر ببینم و به نوعی در روایت‌های تدریس و نحوه مدیریت و تعامل و... خودم را مورد نقد و بررسی قرار دهم. روایت‌نگاری علاوه بر اینکه توانست تأمل مرا در اجرای تدریسم عمیق‌تر کند، این مهارت را در من تقویت کرد که بتوانم و به خودم جرئت نوشتن بدهم. در ابتدا روایت‌نگاری برایم کاری خسته‌کننده

مهناز قربانی

در ابتدای کارورزی، نوشتن روایت‌نگاری را کاری عبث و بیهوده می‌دانستم و حتی بیشتر گزارش‌نویسی داشتم تا روایت‌نگاری؛ زیرا اصلاً با نوشتن روایت‌نگاری آشنایی نداشتم. روایت‌نویسی وقتی برای من کاملاً روشن شد که اولین بازخورد را از استادم در ارتباط با گزارش‌نویسی خود دریافت کردم. پس از خواندن بازخورد، در حین نوشتن دومین روایت برای الگوی ۵E می‌بایست به دو سؤال پاسخ دهم: «چرا این کار را کردیم؟» و «چه می‌کردم بهتر بود؟» و کمی تأمل و تفکر بعد از تدریس را باید چاشنی آن می‌کردم. با خواندن بازخورد استاد به روایت‌م و علاوه بر آن با بحث‌هایی که در تلگرام صورت می‌گرفت، متوجه شیوه نوشتن یک روایت اصولی شدم. البته با هر بازخورد، روایت‌نویسی در من بیشتر توسعه پیدا کرد تا اینکه بالاخره در روایت آخرم چیزی را که مد نظر خود و استادم بود، ارائه دادم. روایت آخرم را بسیار دوست دارم؛ چون در عین حال که طی آن درس‌م را روایت کرده‌ام، در مورد دریچه‌های دیگری هم سخن گفته‌ام و احساس می‌کنم با حرف زدن درباره آن‌ها باری از روی دوشم برداشته شده است.

پرینسا فتحی زاده

هنگامی که بعد از اجرای طرح خود در کلاس درس برای استاد راهنما روایت می‌نوشتیم، از نقاط قوت و ضعف خودم آگاهی بیشتری پیدا می‌کردم و می‌توانستم خودم را بهتر بشناسم. و در واقع، از هر تدریس خود درس می‌گرفتم تا در اجرای بعدی آن ضعف‌ها را نداشته باشم و بتوانم از روش‌های مختلف دیگری استفاده نمایم تا موفق‌تر شوم.

الهام سلیمانی

روایت‌نگاری به خصوص بعد از تدریس همان روز - بدون فاصله زمانی - باعث شد من خودم را بهتر بشناسم. وقتی همه چیز، چگونگی گروه بندی دانش‌آموزان تا چگونگی اجرا را می‌نوشتیم، متوجه می‌شدم ایرادات من در تدریس چه بوده‌اند؛ آیا روش تدریسم متناسب با موضوعی که انتخاب کرده‌ام بوده است؟ آیا از عهده تدریس یک موضوع برآمده‌ام؟ بازخورد استاد به روایت‌ها باعث می‌شد متوجه شوم کجای کارم مشکل دارد و آن را برای تدریس‌های بعدی اصلاح کنم.

سیده مریم حسینی

نوشتن روایت در کارورزی نقش بسیار زیادی در پیشرفت ما داشته است. در ترم اول که استاد به ما گفتند روایت بنویسیم، ما این کار را بیهوده می‌پنداشتیم اما با گذشت زمان و نوشتن روایت‌ها بعد از تدریس و واکاوی آن‌ها متوجه شدیم نوشتن روایت نه تنها بیهوده نیست بلکه کاری بسیار سازنده برای پیشرفت ماست؛ به گونه‌ای که با نوشتن آن بعد از هر تدریس به نکاتی پی می‌بریم که حتی در هنگام تدریس هم متوجه آن‌ها نمی‌شویم. و با این کار به بسیاری از نقاط ضعف و قوت خود پی می‌بریم و می‌توانیم آن‌ها را تضعیف و یا تقویت کنیم. در ابتدا من روایت‌هایم را به شکل خاطره می‌نوشتیم و تحلیلی روی آن‌ها نداشتم اما با گذشت زمان و دریافت بازخوردهای استادم، نوشته‌هایم تحلیل‌گرایانه‌تر شد.

فاطمه منافی

به نظر من، روایت‌نگاری می‌تواند خیلی در پیشرفت دانشجویان کارورز مهم باشد. در ترم اول من روایت را چند روز بعد از حضور در مدرسه می‌نوشتیم در نتیجه، جزئیات زیادی در ذهنم باقی نمی‌ماند ولی بعدها، همان روز که تدریس داشتم، روایت را هم می‌نوشتیم. در نتیجه، همه جزئیات در ذهنم بود و آن‌ها را یادداشت می‌کردم و فردای آن روز برای استاد راهنمایم می‌فرستادم و ایشان به من بازخورد می‌دادند که کجای کارم خوب بوده و نقاط ضعفم چه بوده است. همچنین، وقتی خودم دوباره روایت‌م را می‌خواندم؛ با نقاط قوت و ضعفم آشنا می‌شدم و برای رفع آن‌ها تلاش می‌کردم. به این ترتیب، این سؤال در ذهنم ایجاد می‌شد که در آن شرایط انجام دادن چه کاری «درست‌تر بوده است»؟ در کل، به نظر من وجود روایت مهم و ضروری است و نباید صرفاً به کارورزی محدود شود. چه خوب است معلم تازه کار چند سال اول تدریسش را هم به روایت‌نگاری بپردازد.